

آينه

لغت

بعد از کودتا نام بردن از «مصدق» ممنوع شد

ادیب برومند: خفقان بود. هیچ‌کس نمی‌توانست حرفی بزند. شاه مشئی دیکتاتوری در پیش گرفته بود. چیزی که از اول در فکر آن بود این بود که پهلوی دوم شود. یک سری کارها و فعالیت‌هایی انجام داد تا در نهایت همان روش را در پیش گرفت. کسی در زمان او نمی‌توانست درباره دکتر مصدق صحبت کند. اما ما به‌عنوان اعضای جبهه ملی از مصدق حرف می‌زدیم. شخص شاه هم می‌دانست که ما مخالف او هستیم. کسانی که مخالف بودند و انتقاداتی مطرح می‌کردند از نخبگان مردم این کشور بودند. دکتر آذر، صدیقی، امیر علوی، دکتر کاظمی، سنجابی و... از جمله انسان‌های طراز اول کشور بودند. اینها با شاه مخالف بودند و از این مخالفت هم بسیار ناراحت بودند. چندین‌بار اسدالله علم را فرستاد تا دلیل مخالفت ما را جویا شود. ما با شخص او مشکل نداشتیم. با دخالتش در اداره امور اجرایی کشور موخالف بودیم. می‌گفتم به‌عنوان شاه مشروطه حق دخالت در اداره مملکت را ندارد بلکه به شاهی خودش پرسد که در این صورت قدر و منزلتش هم بیشتر حفظ می‌شد. در این صورت از وزرا هم سلب مسئولیت می‌شد. شرایطی پیش آمده بود که وزرا هم باید منویات اعلیحضرت را در نظر می‌گرفتند و باعث می‌شد که اوضاع کشور هم نابسامان می‌شد.

دست‌اندر

حمله به اعتراضات دست‌چندم

حمید عباسی‌مقدم: سخنان و حاشیه‌های صادق خرازی از دو منظر قابل بررسی است؛ نخست آنکه تردیدی نیست که تعدادی از اصلاح‌طلبان نه‌تنها به دشمن گرا داده‌اند بلکه بعضا در مقام نوکری در برابر دشمنان سر به آستان ساییده‌اند یا عده‌ای دیگر که شاید تا چند سال پیش چهره‌شان در رسانه‌های داخلی قابل رویت بود امروز و در کسوت اپوزیسیون از رسانه‌های دیگری یاد نظاره شوند. لذا جناب صادق خان خرازی خیلی هم به نکته خاصی اشاره نکرده و با یک بررسی ساده در روزهو عموم ضدانقلاب خارج‌نشین مشخص می‌شود ریشه خیلی‌ها در کج‌هاست؛ اما مقصود اصلی نگارنده بعد دوم و حاشیه‌های این سخنان است.
اعتراض دست‌چندم صادق خرازی آنچنان واکنشی را بین اصلاح‌طلبان برانگیخت که کمتر کسی انتظارش را داشت؛ عبدالله رمضان‌زاده بلافاصله در مقام تخریب، «قاجاق نسخ خطی» را به او نسبت داد. محمدعلی ابیطی قاجاق‌عقیقه را به این مسئله اضافه کرد. دیدگری (احمد پورنجاتی) از درد خرازی که همانا سرلیست‌شدن در انتخابات است، گفت. روزنامه آرمان به‌کلی زد زیر همه‌چیز و گفت اساسا چه کسی گفته این آقا اصلاح‌طلب است و فلان شاخه جوانان اصلاح‌طلب در بهمان شبکه اجتماعی کمپین راه انداخت و الخ... این موضوع‌گیری‌ها و واکنش‌ها برای بسیاری به‌تیرانگیز بود البته برای عده‌ای هم نبود. چگونه کسانی که یک عمر دم از آزادی بیان زده‌اند و از حق انتقاد سخن گفته‌اند و شعارشان همواره زنده‌باد مخالف من بوده است، اینچنین برآشفتنه‌اند که کارشان به تهمت و افترازدن به یکی از همفکرانشان رسیده است تا جایی که او را به زدی و قاجاق متهم می‌کنند اما این اولین مرتبه نیست که شاهد این‌گونه عکس‌العمل‌ها از اصلاح‌طلبان هستیم.

تاریخ

مدعیان خودنظام‌بندار

ماجرای نقل‌قول‌های منتسب به رهبر انقلاب یا برداشت‌های سلیقه‌ای از سخنان ایشان، موضوع این روزها نیست. با این حال در جریان مذاکرات هسته‌ای و بعد از اعلام توافق روند آن شدت یافته است. همین چند ماه پیش بود که مهدی کوچک‌زاده به نقل از رهبری از انتقاد به مذاکرات هسته‌ای سخن گفت و مجدجواد ظریف را در صحن علنی «خانسن» خطاب کرد و پاسخ‌وزیر امورخارجه نیز چنین بود: «شما بی‌جا می‌کنید از زبان ایشان حرف بزنید». پیش از آن نیز جواد کریمی‌قدوسی، نماینده مجلس و عضو جبهه پایداری در یک جلسه گفته بود که رهبری در دیدار با سران سه قوه، توافق‌نامه ژنو را دارای ابهامات زیادی دانسته‌اند و گفته‌اند که به‌عنوان یک فقیه سه بار این توافق‌نامه را خوانده‌اند و به این نتیجه رسیده‌اند که از آن ثبیت حق غنی‌سازی برداشت نمی‌شود. به گفته این نماینده مجلس، آیت‌الله خامنه‌ای اعضای تیم مذاکره‌کننده را به پافشاری نکردن بر حقوق هسته‌ای متهم کرده است. این اظهارات نیز با واکنش جدی سرتیم مذاکره‌کننده هسته‌ای مواجه شده بود. با این حال چنین اظهاراتی باز هم ادامه داشت. محمود نبویان، دیگر نماینده عضو جبهه پایداری در مجلس، به همان جلسه اشاره کرده بود و درباره ایرادهای اساسی رهبر معظم انقلاب به متن توافق ژنو سخن گفته و به نقل از ایشان آن توافق را مغایر استقلال ایران دانسته بود. اعلام دستور تشکیل کمیته نظارت بر مذاکرات هسته‌ای از سوی معظم‌مظرب رهبری به نقل از چهره‌هایی مثل محمداسماعیل کوثری و احمد بخشایش و اعلام خبر تذکر ایشان به رئیس‌جمهوری و دستور تقویت تیم مذاکره‌کننده هسته‌ای در هفته‌نامه ۹ دی - متعلق به حمید رسایی- از دیگر مواردی بود که البته از سوی مسئولان دولتی تکذیب شد.

کا حوزه علمیه شما بیشتر به‌عنوان یکی از متولیان تجمع‌های حجاب و عفاف شناخته می‌شود. مثل همان جمعی که پارسال در میدان فاطمی انجام شد. به نظر شما منکر محدود به معضلات عفاف و حجاب است؟

ما مانند همه حوزه‌های علمیه، وظیفه ذاتی‌مان ترویج و آموزش عمیق اسلام و حفاظت از مبانی و معارف دینی است. اما اینکه حالا مثلا امکان دارد در جامعه؛ چون شما اهل رسانه هستید و تا یک اتفاقی نیفتد، با موضوع آشنا نمی‌شوید، شاید به خاطر آن باشد که حضرت‌عالی ما را به این موضوع می‌شناسید؛ اما این‌طور نیست. ولی دغدغه ما به‌جز ترویج معارف و تحقیقات علمی و آموزشی خودمان که وظیفه‌مان است، توجه به جامعه است و مردم هم از حوزه علمیه توقع دارند به منکراتی که در جامعه است بی تفاوت نباشد. منکر در نگاه ما و مؤمنان دیگر، اختصاص به امر خاصی ندارد. منکرات امکان دارد موارد زیادی باشد. اما بعضی از منکرات، منکر بین است. مثلا فرض کنید وقتی شما در رسانه می‌شوید که فلان شرکت با فلان شخص کلاهبرداری، رشوه‌خواری یا اختلاس کرده، خب اینها منکر هستند. هیچ بحثی در آن نیست. منکرات موارد زیادی دارد، ولی به بعضی از منکرات توجه می‌شود و رسانه‌ها و مسئولان به آن بیشتر اهمیت می‌دهند و به بعضی از منکرات کمتر. همه منکرات دغدغه ماست. در بعضی از منکرات می‌بینیم متولی دارد و مسئولان نسبت به آن جدی هستند. مثلا یکی از معروف‌ها حفظ اسلام است، یکی از منکرات این است که شما حرف‌هایی بزنید که مبانی اسلام را مخدوش کنید یا علیه نظام اسلامی اقدام کنید و... اینها از آن منکراتی است که مسئولان و مردم به آن توجه دارند.

برخی از منکرات اتفاق می‌افتد و بین هم هست، اما آقایان مسئولان اصلا به آن توجه نمی‌کنند که این هم جزء منکرات است و باید این اشکالات برطرف شود. یکی از منکرات که هم بین است و هم آقایان و مسئولان محترم کمتر به آن توجه می‌کنند، مسئله عفاف و حجاب است. این مسئله مهمی است. رسانه‌ها، خصوصا صداوسیما، وزارت ارشاد و قوه قضائیه و اینها همه در این مسئله دخیل هستند. اما خودشان به‌جای اینکه برای عفاف و حجاب زحمت بکشند و آن را ارتقا دهند، در این مسئله تعلل می‌کنند و گاهی اوقات ضربه می‌زنند. اینجاست که مثلا شورای‌عالی انقلاب فرهنگی سال‌های پیش یک مصوبه‌ای دارد، بعد مثلا یک رئیس‌جمهوری محترم آمده و به وزارت کشور ابلاغ کرده، یعنی نشان داده که این مصوبه یک دغدغه است؛ ولی اقدام واقعی‌ای که محسوس باشد، نمی‌بینیم. این مجموعه کار باعث شد که طلیه‌ها و برخی استادان مدرسه ما یک کارگروهی برای امر به معروف و نهی از منکر تشکیل بدهند، به این عنوان که ما دخیل در این موضوع هستیم و به‌عنوان یک مؤمن که وظیفه داریم جلوی منکرات را بگیریم، این آقایان تلاش کردند که جنل اقداماتی را انجام دهند که مسئله عملکردشان محل بحث است.

آ **یعنی منکراتی مانند فحشا و منکر اقتصادی چون معتقدید مسئولان به آن می‌پردازند را در اولویت قرار نمی‌دهید؟**

خیر، مسئله‌ای که وظیفه خودم‌مان می‌دانیم هشداردادن به مسئولان است. وقتی کسی خودش بیدار است و بی‌ایقانی می‌کند، این یک مسئله دیگر است. مثلا یک موقع پلیس بیدار است و متوجه این دزدی هم می‌شود و حالا اقدامی هم می‌کند، ولی شاید اقدامش موفق نباشد یا اقدامات کمی انجام داده، اینجا دیگر لازم نیست که ما وارد شویم و این آقای پلیس را بیدار کنیم، چون خودش بیدار است و دغدغه دارد. حالا ضعف‌ها و نقاط قوتش محل دعواست. یک موقع اصلا بیدار و هوشیار نیست نسبت به این موضوع. اگر غافل باشد ما وظیفه خودم‌مان می‌دانیم که هشدار دهیم.

کا **خب مثلا ممکن است آدم بیدار باشد و...**

خیر؛ آن هم فرقی نمی‌کند. مثلا فسادهای اقتصادی؛ وزیر اقتصاد دائم دغدغه این موضوع را دارد. بانک مرکزی این دغدغه را دارد، آقایان مجلس هم این دغدغه را دارند. اینجا که دغدغه را دارند نیاز نیست که ما بلییم. هشدارهای ما به مسئولان از آن بابت است که احساس می‌شود این مسئله فراموش شده و کاری انجام نمی‌شود. اگر واقعا به‌صورت جدی روی مسئله عفاف و حجاب هم کار انجام شود، خب اصلا نیاز به تذکر ما نیست.

کا **اما اگر تذکر از طرف شما هم اعمال شود وجهه بیشتری در اجتماع پیدا می‌کند که مسئولان حوزه علمیه‌ای که عفاف و حجاب را مدنظر دارد علیه فساد اقتصادی هم اقدام می‌کند.**

بله. این هم خیلی خوب است.

ع **راش کردم. چون دیدیم که مسئولان امر دغدغه‌اش را دارند. ما به چه کسی می‌خواهیم تذکر دهیم؟! وقتی مثلا ما به چانه می‌زنیم که سازمان معارف دغدغه دارد و وظایف خودش را انجام می‌دهد (حالا موفق و ناموفق یک موضوع دیگر است) و اینها هم خودشان هوشیار هستند و فعالیت می‌کنند، به همین دلیل ضرورتی ندیدیم. اگر بچه‌های طلیه ما و برخی از استادان ما این موضوع را انجام می‌دهند برای این است که می‌بینند در مورد این موضوع یک غفلتی شده است. اگر در این قسمت هم می‌دیدند که مسئولان در حال فعالیت هستند و فعالیت‌های محسوس دارند، خب همین تذکر هم لازم نبود. اگر اینجا اتفاق افتاده برای اینکه مصوبه چندسال انجام شده و بعد هیچ فایده‌ای نکرده است. امر به‌معروف و نهی‌از‌منکرمان، مخاطب اصلی‌اش مسئولان مربوطه**

سیاست

امربه‌معروف و نهی‌از‌منکر در گفت‌وگو با مدیر حوزه علمیه آیت الله ایروانی

مسئولان دغدغه داشته باشند ما وارد نمی‌شویم



علی‌اکبر عیانی کوهنر، شرقی

محمدحسن نجمی

صلع جنوب‌شرقی چهارراه امیریه تهران، بنش خیابان مولوی و ولیعصر(عج)، ساختمانی با نمای آجری است که بالای در ورودی و روی کاشی‌های آبی آن نوشته شده «حوزه علمیه آیت‌الله ایروانی». این حوزه که از اوایل دهه ۷۰ خورشیدی آغاز به کار کرده توسط آیت‌الله «ایروانی» پایه‌گذاری شده‌است. آیت الله ایروانی چند صباح پس از تأسیس این حوزه درگذشت و نامش بر این مدرسه علوم دینی برجا ماند. پس از عبور از در ورودی، وارد حیاط حوزه شدیم. دور تا دور حیاط، حجره‌های طلیه‌ها قرار دارد که پنجره‌ها و درهای آن، رو به حیاط باز می‌شود. از چند طلیه که در حیاط گعده کرده‌اند سراغ دفتر آیت‌الله «حامد وصفی» مدیر حوزه علمیه را گرفتیم؛ او از سال ۱۳۷۶ مشغول تدریس در این حوزه است و از ۱۳۸۱ هم مدیر آن. با راهنمایی طلیه‌ها از بله‌ها بالا رفتیم و کفش‌هایمان را درآوردیم و وارد طبقه مدیریت شدیم. در دفتر مدیر حوزه چند طلیه مشغول پیگیری کارهای اداری‌شان بودند. نشستیم و صحبت را آغاز کردیم. یک دوربین فیلم‌برداری «هندی کم» هم در محلی قرار گرفت تا گفت‌وگو ضبط شود. در چند سال اخیر این حوزه به برگزاری تجمعات «عفاف و حجاب» شهرت پیدا کرده. مخصوصا در دو سال اخیر فعالیت کارگروه عفاف و حجاب این حوزه بیشتر شده که نماد آن را می‌توان برگزاری تجمعات در سطح تهران دانست. مانند تجمع سال گذشته در میدان فاطمی (مقابل وزارت کشور) که حاشیه‌ساز شد. طلاب این حوزه همچنین دو ماه پیش در نامه‌ای به رئیس‌جمهوری خواستار برکناری «شهیندخت مولاوردی» معاون امور زنان ریاست‌جمهوری شدند. حالا مدیر این حوزه معتقد است که به این دلیل به موضوع عفاف و حجاب می‌پردازد که نسبت به مثلا موضوع اقتصادی پیچیدگی کمتری دارد و آن‌قدر برایشان اولویت دارد که درباره آن تجمع برگزار می‌کنند.

هستند که چرا اینها اقدامات لازم را انجام ندادند. **ا** **بر کسی پوشیده نیست مشکلات اقتصادی ممکن است کسی را به راه نادرست و در انتها به فساد بکشاند. آیا به‌نظر شما نباید سرمنشأ این مسئله را شناسایی کنیم و آن را از بین ببریم؟**

در مورد اینکه ریشه‌اش چه چیزی باشد، امکان دارد ریشه‌های مختلفی داشته باشد. سؤال اینجاست؛ اگر به مطالب فرهنگی نگاه کنید، این چنین نیست الزاما مثلا چون فقر باید، ضرورتا باید فحشا بیاید؛ چنین نیست. برعکس است. بحث انگ‌گذاری نیست، بحث الزامش ممکن است. بله امکان دارد گاهی طرف خیلی هم ثروتمند باشد، فحشا کند.

سؤال اینجاست؛ فحشا می‌تواند موجب این باشد که مثلا چون طرف فحشا می‌کند، به خاطر فحشا مرتکب منکرات دیگری هم شود، همچنین به خاطر یک منکر دیگر هم ممکن است مرتکب فحشا هم شود. ممکن است. بله امکان دارد گاهی طرف خیلی هم ثروتمند باشد، فحشا کند. سؤال اینجاست؛ فحشا می‌تواند موجب این باشد که مثلا چون طرف فحشا می‌کند، به خاطر فحشا مرتکب منکرات دیگری هم شود، همچنین به خاطر یک منکر دیگر هم ممکن است مرتکب فحشا هم شود. ممکن است گاهی فقر، عامل دزدی باشد، همین‌طور امکان دارد عامل فحشا هم باشد. این در جامعه هست و ممکن است اتفاق هم بیفتد. ولی سؤال اینجاست چون اینها با یکدیگر رابطه دارند و تمام مسائل فرهنگی مثل یک پیکره زده است. ولی ما باید دقت کنیم شرع مقدس، به هر مسئله چه بهایی داده نه اینکه ما چه سلیقه‌ای داریم. بنابراین ما می‌گوییم سلیقه‌ای نیست و برای اینکه بدانیم کدام «اهم» است و کدام «مهم»، باید به شریعت مقدس مراجعه کنیم. چیزی که ما از شریعت مقدس متوجه شدیم، این است که معارف دینی ریشه مسائل است. وقتی اندیشه خراب شد، اخلاقیات هم خراب می‌شود، وقتی اخلاقیات خراب شد اعمال را هم خراب می‌کند. برای همین ریشه اصلی به تفکرات صحیح و غلط برمی‌گردد. یکی از تفکرات غلط این است که ما تمام تلاشمان را فقط روی جنبه‌های اقتصادی مسائل گذاشتیم. نه اینکه اقتصاد مهم نیست. حتی از شخصیت‌های مهم مانند ریاست‌جمهوری‌های گذشته هم دغدغه سازندگی داشتند. مثلا فرض کنید اگر از آنها سؤال کنید شما چه کار فرهنگی مفیدی انجام دادید؟ می‌گفتند ما این‌قدر دانشگاه زدیم، یا مثلا می‌گفتند ما مثلا آن‌قدر مسجد ساختیم. یعنی ساختمان‌سازی‌ها به‌عنوان فرهنگ‌سازی تلقی شده است. اینها اشکالات ریشه‌ای ماست. یعنی ریشه اصلی در اقتصاد نیست، بلکه در فرهنگ و علم و دانش ماست. اگر نهادها مثل حوزه علمیه، دانشگاه‌ها و آموزش‌وپروورش و البته صداوسیما و رسانه‌های دیگر، به نحو صحیح کار را انجام دهند و فکر درست باشند، تربیت صحیح می‌شود. همین‌طور که در کشورهای کفر می‌بینیم آنها وقتی می‌خواستند عمران و آبادی کنند، به مسئله فرهنگ کشورشان (البته به‌عقاید خودشان) خیلی بها دادند. ولی مثلا فرض کنید اگر آن وقتی بها نمی‌دهیم، نهایتا نیروی انسانی‌ای تربیت می‌شود که از نظر فکری موازین صحیح خوب و بدش درست چیده نشده است.

کا **من همین را می‌خواستم بگویم. مثلا گفتم نروژ، کشوری است که سطح رفاه عمومی بالااست و شما می‌فرمایید ممکن است فحشا و منکرات در آن خیلی زیاد باشد. من همین را می‌گویم؛ خب، این را دقیقا باید در قامت آن کشور ببینیم. باید ببینیم اگر رفاه در کشور ما بالا برود، آیا باز هم فحشا زیاد می‌شود؟**

بله؛ هر دوی آن امکان دارد. اصلا مقایسه‌اش غلط است. اگر در ایران بر فرض، ما در قسمت رفاه خوب فعالیت کنیم و درجه رفاه مردم بالا رود، مستلزم این نیست که در قسمت تقوا ما افراد باتقوایی داریم. بنابراین در رفاه باید وظیفه خودمان را درست انجام دهیم، مانند امنیت، در قسمت فرهنگی هم وظیفه ما این است که به‌صورت علمی و اخلاقی در اعمال و رفتار کار کنیم. عرض من این است، که ما در کشور وظیفه داریم براساس اهم و مهم، روی تمام قسمت‌هایی که اهم است کار کنیم بعد روی مهم. حالا این غلط است که ما بلیایم تمام سرمایه و تلاشمان را در کشور فقط برای حل یک مشکل بگذاریم. در بُعد اقتصادی یک واقعیتی است. کسی منکر فرمایشات شما نیست. اقتصاد مهم است و باید اشکالات خلاقی را که در آنجا دیده می‌شود، برطرف کرد. حالا هرکدامش هم درمان‌های مخصوص خودش را دارد. اگر خاطران باشد، اوایل انقلاب اوّلین رئیس‌جمهوری که آق‌ای بنی‌صدر بود، مدعی اقتصاددانی بود و مردم هم به‌عنوان اینکه ایشان می‌خواهد اقتصاد اسلامی را پیاده کند، به ایشان رای دادند و شعار ایشان پر از مسائل اقتصادی بود. بعد جنگ شد و مسئله امنیت مهم‌تر از مسئله اقتصادی شد. خب مردم به جریانات امنیت کشیده شدند. بعد از پایان جنگ، عملکرد دولت سازندگی به سمت اقتصاد رفت. دولت‌های بعدی، به‌متبع آن همین‌طور. حالا امکان دارد یک دولتی به غیر از مسئله اقتصاد؛ دغدغه

سیاست و شورا‌ها را هم داشته است، مثل دولت آقای خاتمی. اما نکته مهم اینجاست؛ شما بفرمایید در دولت‌هایی که تا حالا بودند، ما چقدر به اندیشه مردم و دینی‌کردن مردم اهمیت دادیم؟ خب اگر ما در اینجا سرمایه‌گذاری نکنیم، معنا و مفهومش این است که ما امکان بهره‌برداری در این قسمت را نداریم. یک موقع است که مثلا شما می‌خواهید مسئله اقتصاد را حل کنید. در اقتصاد، دو نوع درمان دیده می‌شود. یک موقع است که شما عواملی دارید و با آن عوامل اقتصادی درمان می‌کنید، مثلا خیلی از کشورها که همین کار را می‌کنند. در نظام اسلامی، ما به جز آن عوامل، عوامل دیگر هم داریم؛ مثلا من خاطرم هست که دو بار در کشور ژاپن به علت اینکه نخست‌وزیر (راست و دروغش را نمی‌دانم) از کارخانه‌های خودروسازی رشوه گرفته بود، خودکشی کرد. یعنی در ژاپن برای اینکه طرف خودش خانواده‌اش را از بار این آبروریزی نجات بدهد، خودش را می‌کشد.

خب ببینید؛ این یک عامل فرهنگی است که می‌شود به‌واسطه یک عامل فرهنگی، یک فساد اقتصادی در آن کشور را درمان کنیم. چون مردم به آبروی اجتماعی خودشان اهمیت می‌دهند. خب این یک نکته مثبت است. در کشور ما دین جزء عوامل عالی است که شما اگر برایش ارزش قائل شدید و برایش سرمایه‌گذاری کردید، این عامل، یعنی عامل تقویت بنیادهای دینی مردم، هرچقدر که تقویت شود در تمام ابعاد اجتماعی اثرگذار است.

مثلا معمولا می‌گویند در ماه مبارک رمضان، آمار جرائم و درگیری‌ها و دعواهای خانوادگی پایین‌تر می‌آید، یا در روزی که محرم است همین‌طور. خب این معلوم می‌شود که مسائل دینی در رفع اشکالات جامعه تاثیر مثبت دارد. بنابراین اگر مسئولان در قسمت‌هایی که دچار مشکل هستیم، عوامل دینی را به‌صورت عملی تقویت کنند، قطعا بدانید، رفاه و اقتصاد بیشتری خواهیم داشت و اختلالات اقتصادی‌مان هم برطرف می‌شود. منشا این دغدغه اصلی ما در کشور و مسئولان ما، باید بر اندیشه‌ها و ایمان مردم متمرکز شود. حوزه‌های علمیه یکی از این نهادها هستند.

کا **به ابتدای گفت‌وگو برگردیم؛ مثلا فسادهای اقتصادی و اختلاس‌ها را نمی‌توانید به‌عنوان مطالبه جامعه دینی مطرح کنید؟**

صدرصد. در کارگروه‌ها اتفاقا یکی از استادان متخصص اقتصاد هم هست. آنها هم همین مطلب را فرمودند. اینکه ما دغدغه آنها را هم باید داشته باشیم. ولی ما در مقام اقداماتی که داریم انجام می‌دهیم، امکان اینکه بتوانیم در همه ابعاد تذکر بدهیم و فعالیت کنیم، مقدور نیست. برای همین ما آمدمیم اولویت‌بندی کردیم. می‌گویند سنگ بزرگ، علامت نزدن است. آن آقایان که متخصص مسائل اقتصادی هم هستند، خیلی موارد را فرمودند ولی آن مسائل پیچیدگی‌های بیشتری هم دارد، ولی مسئله حجاب یک مسئله شرعی واضح است. یعنی هر کسی در کشور بگوید من اطلاع ندارم ما باور نمی‌کنیم، چرا؟ چون تمام کتاب‌های دینی مدارس و رساله‌ها پر از این مسائل است که حدود شرعی حجاب را گفته است. یا بگوییم مثلا فلان آقای سیاسی حجاب را این‌طور تعریف کرده است، خب مردم می‌دانند که او به خاطر رای دارد این کار را می‌کند. خب این مسئله خیلی روشن است، ولی در مسائل رده‌های بعدی پیچیدگی‌اش بیشتر است. برای مثال؛ مثلا مسئله توافق هسته‌ای که مسئله ساده نیست، بلکه یک مسئله خیلی دقیق است و کارشناسی خوب می‌خواهد و مسائل حقوقی، حقوق بین‌الملل و مسائل فنی هسته‌ای را لازم دارد و به مجموعه‌ای از کارشناسی‌ها نیاز است. ما نسبت به مسئله هسته‌ای خیلی دغدغه‌مند هستیم، ولی نیامدیم این را در اولویت کاری خودمان قرار دهیم، چرا! ما مسئله ساده می‌خواهیم وارد این کار شویم، موارد زیادی لازم دارد که بخواهیم است. مسائل اقتصادی پیچیدگی این قسمت را ندارد ولی مثل مسئله حجاب هم روشن و واضح نیست. ما این کار را انجام دادیم؛ اولویت‌بندی کردیم. یعنی گفتیم اوّلین دغدغه و روشن‌تریش را ما انجام می‌دهیم؛ یک کار که سبک که ببینیم چقدر اثر دارد. مثلا کلاس‌های برطرف کردن ببینیم مسئولان مخاطب ما، مردمی که به صحنه نگاه می‌کنند، رسانه‌هایی که علیه ما دروغ می‌نویسند و تبلیغات می‌کنند و غربی‌ها چگونه نسبت به این مسائل اقدام می‌کنند. ما یک مسئله بسیار روشن و مبرهن فقهی را توصیه کردیم. حالا که می‌خواهیم امر به معروف و نهی از منکر کنیم، دست به یک اقدام کوچک بزنیم و آن موردی که کوچک‌تر و روشن‌تر از همه است، بشود در اولویت و در قسمت‌های بعدی آرام‌تر. اینها در دستور کار ماست. فرمایشات شما مثل اختلاس و ارتشا و... بعضی وقت‌ها بیماری‌های نظام اقتصادی ما است که به آن عدم رعایت موازین دینی بازمی‌گردد و بعضی وقت‌ها اثر به هم بخورد این است که به‌صورت صوری اسلام را رعایت می‌کنیم.

کا **تاکنون شده است به مسئولان تذکر دهید؟ چه درباره حجاب و عفاف و چه اقتصاد؟**
ما اینجا در موارد سیاسی یا بعضی موارد این کار را انجام می‌دهیم؛ مثلا دوستان از مسئولان مربوطه دعوت می‌کنند یا در جلسات کوچک‌تر. در جنبه‌های علمی‌ما مناظره برگزار می‌کنیم. یک‌سری بحث‌ها در مسائل سیاسی داریم. از مسئولان هم دعوت می‌کنیم و خوشحال هم می‌شویم که آقایان می‌آیند اینجا و بچه‌ها هم سؤال می‌کنند و آن موارد تذکر داده می‌شود، حالا در حد دوستانه و شفاهی ما مشکلات و دغدغه‌هایی را که داریم می‌گوییم و به اطلاع آنها می‌رسانیم.

کا **تاکنون شده است به مسئولان تذکر دهید؟ چه درباره حجاب و عفاف و چه اقتصاد؟**
اما در موارد سیاسی یا بعضی موارد این کار را انجام می‌دهیم؛ مثلا دوستان از مسئولان مربوطه دعوت می‌کنند یا در جلسات کوچک‌تر. در جنبه‌های علمی‌ما مناظره برگزار می‌کنیم. یک‌سری بحث‌ها در مسائل سیاسی داریم. از مسئولان هم دعوت می‌کنیم و خوشحال هم می‌شویم که آقایان می‌آیند اینجا و بچه‌ها هم سؤال می‌کنند و آن موارد تذکر داده می‌شود، حالا در حد دوستانه و شفاهی ما مشکلات و دغدغه‌هایی را که داریم می‌گوییم و به اطلاع آنها می‌رسانیم.

ادامه در صفحه ۷

آينه ديروز

۹سال پیش در چنین روزی



- رائول در نخستین گفت‌وگوی مطبوعاتی خود اعلام کرد: آمادگی کوبا برای برقراری رابطه با آمریکا
- در نامه سخنگوی دولت به دادستان تهران مطرح شد؛ درخواست برای برخورد با برخی مطبوعات
- میانجیگری قذافی در پرونده هسته‌ای کره شمالی
- رسول خادم مطرح کرد؛ اعتراض به تلاش وزارت کشور برای تضعیف شوراها
- محمدحسین صفارهرزندی در نشست مطبوعاتی و رسانه‌ای با خبرنگاران: قانون جمع‌آوری ماهواره‌ها لازم‌الاجراست



- نقض آتش‌بس؛ حزب‌الله عملیات هلی‌برن اسرائیل را درهم‌شکست
- هشدار مبارک درباره سیاست جنگ‌افروزانه آمریکا؛ حمله به ایران پایان ثبات در جهان است
- اصفی با رد ادعاهای بوش و پیرز؛ همکاری ایران با حزب‌الله شفاف است
- با اعزام هیاتی به مسکو؛ ایران مذاکرات هسته‌ای با روسیه را از سر می‌گیرد
- محاکمه صدام در دادگاه دوم
- احمدی‌نژاد، نصرالله و مشعل، محبوب‌ترین‌های مصر

لغت

- نماینده اردبیل با اشاره به سفر رئیس‌جمهوری به این استان: مصوبات سفر استانی اردبیل به وضعیت مصوبات دیگر استان‌ها دچار نشود
- [علی جنتی] معاون سیاسی وزیر کشور ضمن دفاع از لایحه نظام جامع انتخابات، در این لایحه ۱۳ اشکال مشخص کرده‌ایم. لایحه نظام جامع انتخابات جای اصلاح دارد و نهایی نشده است
- در نامه الهام به مرتضوی عنوان شد: اعلام جرم دولت، سخنگوی دولت پیگرد حقوقی برخی رسانه‌ها را از دادستان تهران خواستار شد
- درخواست احمدی‌نژاد از رای‌دهندگان انگلیسی: توبی نلر را از قدرت برکنار کنید
- وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی: روزنامه ایران با تیم و طراحی جدید منتشر می‌شود

کیم

- یادداشت روز- مهدی محمدی- چه کسی کوتاه می‌آید- «به‌تازگی یک جریان بسیار مصمم در داخل ایران در حال شکل‌گیری است که بنا دارد ایده خروج ایران از معاهده NPT را «فقط در صورتی که شورای امنیت یک گام دیگر جلو بیاید» به طور کاملا جدی و عملیاتی پیگیری کند. «اشتباه محاسبه» غربی‌ها در استفاده از فرمول «فشار بیشتر به عامل تغییر موضوع» که بیش از هر جای دیگر در صدور قطعنامه ۱۶۹۶ متجلی شد، بازهم- درست مانند مورد مربوط به جنگ لبنان- در حال منجرشدن به نتایج معکوس است، با راهی که غربی‌ها در پیش گرفته‌اند برنامه هسته‌ای ایران به جای اینکه کنترل شود از کنترل خارج خواهد شد»

- رضا خاتمی: مفهوم اصلاحات باید مشخص شود- دبیرکل سابق حزب مشارکت: باید در فرصتی که داریم، مبانی نظری دقیق اصلاحات را دقیقا مشخص کنیم تا بدانیم با مردم که می‌خواهیم صحبت کنیم، چه چیزهایی را باید به آنها عرضه بداریم

اطلاعات

- اصفی: تعلیق در دستورکار ایران نیست
- دکتر قالیباف: وزارت مسکن باید پاسخ‌گوی گران‌شدن اجاره و بهای خانه در تهران باشد
- وزیر علوم: در سال تحصیلی ۸۶-۸۵؛ جمعیت دانشجوئی کشور به سه میلیون نفر می‌رسد
- وزیر کشور در جلسه هیأت نمایندگان اتاق بازرگانی ایران: سالیانه ۵ تا ۶ میلیارد دلار کالای قاچاق وارد کشور می‌شود
- معاون وزیر نیرو اعلام کرد؛ ممنوعیت برداشت از منابع آب زیرزمینی در ۲۲۳ دشت کشور
- ساخت ۲۰هزار واحد مسکونی برای فرهنگیان در استان کرمان

جمهوری اسلامی

- ۱۱ استان دچار خشک‌سالی مورد حمایت قرار می‌گیرند
- حجم ذخایر ارز و طلای ایران از مرز ۴۵ میلیارد دلار گذشت
- براساس طرح جدید ستاد مبارزه با قاچاق کالا؛ گوشی‌های تلفن همراه قاچاق، غیرفعال می‌شوند
- رئیس سازمان ثبت احوال کشور: بیش از ۲۸میلیون نفر در کشور کارت ملی دریافت کرده‌اند
- چاوژ، چهار جاسوس دولت آمریکا دستگیر شدند
- درخواست الهام از دادستان تهران برای پیگیری خبرهای مجعول علیه دولت